

احترام حقوق یا حیثیت دیگران؛ ب. حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی.» در ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر بعد از اینکه حق‌ها از جمله حق حضور در اجتماعات را در مواد قبلی به رسمیت می‌شناسد، بر اصل «تحدید حق‌ها و آزادی‌ها» در حوزه اعتراض تأکید می‌کند: «هرکس در اجرای حقوق و در مقام برخورداری از آزادی‌های خویش، تنها از محدودیت‌هایی پیروی می‌کند که قانون منحصرأ به منظور تأمین شناسایی و حرمت به حقوق و آزادی‌های دیگران، بالجمله برای تحقق بخشیدن به مقتضیات عادلانه اخلاق و نظام اجتماعی و مصلحت عمومی، در یک جامعه دمکرات وضع کرده باشد.» این چهارچوب به رسمیت شناختن حق همزمان با پذیرش اصل تحدید حق‌ها همان است که در قانون اساسی ما در اصل چهارم بیان شده است: «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.» نمی‌توانیم و نباید تفسیرهای دلخواهانه‌ای از قانون اساسی داشته باشیم. فرقی نمی‌کند چه کسی و چه گروهی این تفسیر را انجام می‌دهد. چه گروهی که صرفاً بر اصل حق بر اعتراض و حق بر تظاهرات و اجتماعات سخن می‌گوید، بدون آنکه این حق را در کنار حق‌های دیگر و در چهارچوب مصادیق و مفاهیم تحدیدی حق‌ها و آزادی‌ها و بدون به شمار آوردن وحدت و تمامیت ارضی کشور در نظر بگیرد و چه گروهی که مصادیق و مفاهیم تحدیدها را آن‌چنان وسیع تفسیر می‌کند که از باب «تخصیص اکثر مستهجن است» و فضا و ساحتی را برای اعمال حق‌ها و آزادی‌ها قائل نمی‌شود، هر دو در اشتباهی سخت و خطرناک هستند. باید بدانیم جامعه از همین حق‌ها شکل گرفته است. ما در فضای همین حق‌ها نفس می‌کشیم و زندگی می‌کنیم و البته طبیعی است که حق‌ها با یکدیگر دچار تراحم شوند. این تراحم وضعیتی عادی است و مرتبط با حیات اجتماعی. زندگی اجتماعی همراه با این تراحم‌هاست و چاره‌ای جز این تراحم‌ها نیست؛ بنابراین باید «مدیریت تراحم حق‌ها» اتفاق بیفتد؛ مدیریت و نه حذف یا رانت.

مهم‌ترین نقش «قانون اساسی» همین مدیریت تراحم حق‌هاست. کارویژه قانون اساسی در میانه میدان رقابت میان حق‌ها «داوری» است؛ داوری منصفانه و به دور از هرگونه جانبداری. قانون اساسی باید تصمیم بگیرد و مراقب باشد که تصمیمش منصفانه و مبتنی بر منافع عمومی باشد.

شاید رجعت دوباره به قانون اساسی چاره کار باشد؛ برگشت به فلسفه وضع اصل ۲۷ قانون اساسی و برگشت به روح حاکم بر تصویب این اصل و اصول مرتبط با آن. نهایت آنکه اجرای کامل اصل ۲۷ قانون اساسی مستلزم درک متن، روح و فلسفه وضع آن و مهم‌تر از همه تبیین دقیق «بیان» و وفاداری به آن توسط همه کنشگران اجتماعی سیاسی است. ▶

جلوه اعتراضی از
«بیان» باید در بستر
و متن «حقوق»
شکل بگیرد، رشد
کند و به مثابه «امر
حقوقی» اشراب شود
یا حداکثر به مثابه
«امر سیاسی» در
بستر جامعه جاری
شود؛ لذا بردن آن
از هر سو به سمت
«امر امنیتی» که
به معنای درگیری
و تعارض با اصل
وحدت و تمامیت
ارضی کشور است،
می‌تواند اجرای
اصل ۲۷ را به محاق
ببرد. اگر کنش و
واکنش اعتراضی،
برهم‌زننده تمامیت
یک جامعه سیاسی
باشد، «بیان» دیگر
به مثابه «حق»
شناسایی نمی‌شود
و مورد حمایت قرار
نمی‌گیرد.